

Akram Ahmadi Tavana
Catalogue Essays
Biosis
2022



Biosis >Raheleh Nooravar




Raheleh Nooravar (b. 1984, Tehran, Iran) is a graduate of Graphic Design from Islamic Azad University of Tehran. Later she continued her studies under recognized Iranian sculptors. Raheleh employs repetition and reproduction as the recurrent concepts in her work to create her desired forms. She has held 3 solo shows and has participated in several group shows and festivals, namely, the 5th Beijing Biennale. Raheleh Nooravar lives and works in Tehran.

Statement → Akram Ahmadi Tavana

Despite the fact that certain names are repeated, life in all creation is contingent upon a whole host of active, impactful creatures which are invisible. No matter what species they are, they exist as equals but at a certain point, humans stood aside and branched off. They rose above others to a different level, stood on a place of authority, and called everything else “nature.” In return, nature did not sit around and regrouped as a silent army, self-sufficient and independent of humanity. She developed a secret but vital power for herself and went so far that it became impossible for others to live without her. Living creatures realized that coexistence is the only way to go if they are to survive. They are astonishingly diverse, but in similar positions, all on the same plane. There are no exceptions and no rectors. They don't give monologs, but know how to sing choruses. Overshadowing is meaningless; all stand together as equals. In this series, Raheleh Nooravar reminds us that we are all in it together, living in one world, in basically the same way.

The works of the series have the tendency to move, expand, and be scattered in the space. It is as if these frozen creatures prefer to determine a wider territory as art objects. As a result, new conditions are created that are not only fixed and limited, but are constantly changing and expanding. On the other hand, the holes and netted surfaces of the sculptures make the space flow in the inner layers of each work. Along with the air, the audience's gaze also penetrates the work. There is nothing to hide here: only the desire to be revealed, to the extent that in the shell you can even find traces of elegance and femininity. Thus, there is no definite boundary between the work and the setting in the constant breathing of the sculptures. At any moment, there is the possibility of the statue being disintegrated in space and taking over a new sphere. In other words, the living creature and its avatar are both learning and practicing, and are also ready to enter and become one with their community.

In her years of artistic activity, Raheleh Nooravar has worked with two key elements of observation and repetition. In her recent works, she represents and repeats a species of algae, which has infinite variety in shape and size, magnified in different shapes, materials, and positions. This time, however, in addition to repetition, Raheleh, in terms of interfering in the world of these beings, goes so far as to aiming at the nature of their relationships rather than their prototypical morphologies. The way the works are arranged and the exhibition space itself emphasize that intention as well. The algae mirror the multiplication of already repeated forms and mediate the return of artificial organisms to their natural environment. Yet, the color, material, and visual quality of the works constantly remind us of their distance from nature. From another point of view, the series expands its own territory and the artist's world through different conceptual references, while being rooted in a natural element. Out of a living being comes an inanimate object. The intermediary position of the series is a demonstration of the possibility of coexistence between humans and nature, as well as the chosen ones and the masses.



→ In her most recent series, "Biosis," Raheleh Nooravar removes color, natural proportions, and functions from the most fundamental components of life and represents forms that express, above all, a constant desire to achieve a personal kind of aesthetic. Throughout her career, Raheleh has always been creating forms with a metaphorical and at times symbolic approach that immediately invoke the question of power and its hierarchy from a social and public point of view. In her new works, however, power is explored in a more subjective context.

As Raheleh moves away from manmade forms toward the magnification of single-celled creatures hidden in nature, by inviting the audience to gain an insight into each one, she considers human power of adaptation instead of its social contexts. Now, however, with regards to its biological environment.

Using multiplication and repetition in how the sculptures extend in the space as a dynamic installation, which is inspired by nature, she insists on the possibility of regeneration in a more abstract and permanent fashion. To Raheleh, adaptation is not synonymous with being backed into a corner or admitting defeat. Indeed, she regards compromise and the struggle to survive as praiseworthy. Moreover, with an introverted mentality, she reconstructs the most social invisible creatures to celebrate life and hope.



زیستی
را حله نورآور



را حله نورآور (م. ۱۳۶۳، تهران، ایران) فارغ التحصیل رشته‌ی گرافیک از دانشگاه آزاد اسلامی تهران است. او مجسمه‌سازی را نزد اساتید سرشناس ایرانی آموخت. راحله همواره از مفهوم تکثیر و تکرار برای رسیدن به فرم‌های دلخواه در آثارش استفاده می‌کند. او تاکنون ۳ نمایش انفرادی برگزار و در چندین نمایش گروهی و جشنواره از جمله پنجمین دوره‌ی بینال پکن شرکت کرده است. راحله نورآور در تهران زندگی و کار می‌کند.

استیمنت ← اکرم احمدی توانا

با وجود تکرار نام‌هایی خاص، حیات جهان به انبوهی از موجودات فعال و اثرگذار وابسته است که دیده نمی‌شوند. آن‌ها از هر گونه که باشند همانند و در موقعیت‌های برابرند. اما انسان‌ها از جایی کنار کشیدند و حساب خود را جدا کردند. در گوشه‌ای بالاتر و در جایگاه قدرت ایستادند و بقیه را «طبیعت» نام‌گذاری کردند. در مقابل طبیعت بیکار نماند و بی‌نیاز به انسان به شکل سیاهی لشکری خاموش و آرام درآمد. قدرتی پنهان اما حیاتی برای خود دست و پا کرد و تا آنجا پیش رفت که زیستن دیگران بدون آن ناممکن شد. جانداران خوب دریافته‌اند که هم‌زیستی با دیگری شرط زیستن است. آن‌ها به شکل اعجاب‌آوری متنوع هستند اما در موقعیت‌های بسیار مشابه و همه در یک سطح. هیچ استثناء و پیشوایی وجود ندارد. تک‌گویی نمی‌کنند، هم‌خوانی می‌دانند. زیر سایه بودن بی‌معناست، همه کنار هم ایستاده‌اند. راحله نورآور در این مجموعه یادآوری می‌کند که همه حساب‌مان یکی‌ست و در جهانی واحد و به سیاقی مشترک زندگی می‌کنیم.

آثار این مجموعه میل به حرکت، گسترش و پراکنده شدن در فضا دارند. گویی این موجودات منجمد به‌عنوان شیء هنری ترجیح می‌دهند قلمرویی گسترده‌تر از پیش تعیین‌کنند. در نتیجه شرایط تازه‌ای ایجاد می‌شود که نه فقط ثابت و محدود نیست که دائم در حال تغییر شکل و گسترش است. از سوی دیگر حفره‌ها و سطوح مشبک مجسمه‌ها فضا را در لایه‌های درونی هر اثر جاری می‌کند. همراه با هوا نگاه مخاطب نیز به درون اثر می‌خزد. اینجا چیزی برای پنهان کردن وجود ندارد، تنها تمنای آشکارگی است؛ تا آنجا که در این پوسته‌ها ردی از ظرافت اجرا و زنانگی را هم می‌توان یافت. به این ترتیب در تنفس دائم مجسمه‌ها مرزی قطعی میان اثر و محیط وجود ندارد. هر لحظه احتمال می‌رود که مجسمه در فضا متلاشی شود و حوزه‌ی جدیدی تصاحب کند. به عبارت دیگر موجود زنده و بدل آن هر دو در حال آموختن و تمرین و همین‌طور آماده‌ی ورود و یکی شدن با اجتماع خویش‌اند.

راحله نورآور در سال‌ها فعالیت هنری با دو کلید مشاهده و تکرار کار کرده است. او در تازه‌ترین آثار خود نمونه‌ای از یک گونه جلبک را که در شکل و اندازه بی‌نهایت تنوع دارد، با بزرگ‌نمایی و در ریخت، ماده و موقعیتی متفاوت بازنمایی و تکرار می‌کند. این بار علاوه بر تکرار راحله نورآور هنگام دخالت در جهان این موجودات تا آنجا پیش می‌رود که نه ریخت نمونه‌ی اولیه که ماهیت روابط آن‌ها را هدف می‌گیرد. چیدمان آثار و محیط نمایش نیز این منظور را تاکید می‌کنند. خزه‌ها آینه‌ی تکثیر دوباره‌ی فرم‌های از قبل تکرار شده می‌شوند و واسطه‌ی بازگشت موجودات مصنوع به بستر طبیعی خود. اما رنگ، ماده و کیفیت بصری آثار دائماً فاصله‌ی آن‌ها را از طبیعت خاطر نشان می‌کنند. از چشم‌اندازی دیگر این مجموعه هم‌زمان با ریشه داشتن در یک عنصر طبیعی از طریق ارجاعات مفهومی متفاوت قلمروی خود و جهان هنرمند را گسترش می‌دهد. از دل یک موجود زنده اثری که شیء بی‌جان است تولید می‌شود. موقعیت بینابینی این مجموعه، نمایش امکان هم‌زیستی انسان و طبیعت و همین‌طور برگزیدگان و توده است.

← راحله نورآور در آخرین مجموعه‌ی خود با نام «زیست‌تن» بنیادی‌ترین اجزای حیات را از رنگ، تناسبات طبیعی و کارکرد می‌زداید و فرم‌هایی را پیش رو می‌گذارد که قبل از هرچیز میل مداوم او به دستیابی به نوعی از زیبایی‌شناسی شخصی را ابراز می‌کنند. راحله در مسیر کاری خود همواره با رویکردی استعاری و گاه نمادین فرم‌هایی خلق کرده که بی‌واسطه، مسئله‌ی قدرت و سلسله‌مراتب آن را از بعد اجتماعی و عمومی بازنمایی می‌کنند؛ اما او در آثار جدیدش، به مکاشفه و مطالعه‌ی قدرت در زمینه‌ای شخصی‌تر و درونی‌تر می‌پردازد. راحله همان‌طور که رفته‌رفته در خلق آثارش از فرم‌های دست‌ساز بشری به سوی بزرگ‌نمایی موجودات تک‌سلولی پنهان در طبیعت رفته است، با دعوت مخاطب به مشاهده‌ای تازه درون هرکدام، قدرت سازگاری بشر را به جای زمینه‌های اجتماعی‌اش این بار در انطباق با محیط بیولوژیکی‌اش یادآور می‌شود. او با به‌کار بردن تکثیر و تکرار در بازسازی فرم‌ها و ادامه یافتن مجسمه‌ها در فضا به شکل چیدمانی پویا که از طبیعت متأثر است، بر امکان زایش به شکلی انتزاعی‌تر و ابدی‌تر پافشاری می‌کند. سازگاری برای راحله به گوشه رانده شدن و باختن نیست؛ او سازش و تلاش برای ادامه‌ی بقا را قابل‌ستایش می‌پندارد و با روحیه‌ی درونگرایی خود، اجتماعی‌ترین موجودات ناپیدای طبیعت را به‌عنوان نمادی برای بزرگداشت زندگی و امید بازسازی می‌کند.